

تحلیل استحاله نشانه‌های سکونتگاهی روستای «باباشمان استان لرستان»

پس از جابجایی با تاکید بر نشانه‌های مسکن روستایی

فرح حبیب - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

سید امیر حسین گرکانی* - پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات؛ تهران، ایران.

سید مصطفی مختاباد امرئی - دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، تهران، ایران.

فاطمه رحیم بخش - دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

The Analysis of the Transformation of the Signs of "Babapashman" Village at Lorestan Province after the Relocation

Abstract: Most of reconstruction programs after the happenings, the total or partial policy of relocation of habitation, as an appropriate solution, respect to technical aspect, is considered for decreasing the risk and providing security for earthquake, flood, ground drift, etc. However, investigating different experiences predicate that the relocation consequences are in forms that generally the remainders which were transited for reasons as the lack of any the reconciliation at renovation of architecture in the new village with the old village in the process of rehabilitation, that there were no satisfaction and often the relocation caused the villagers lose their self-sufficiency and feel dependent to a place at the new village. At this article the village is assumed as a text which consists of different layers and by investigating the semiotics approaches, based on Lotman Symbolic theory, the manner of how the transformation signs such as the sky-line, the neighborhood system, the pavement network model, and etc. at the new village of Babapashaman at Lorestan Province are considered. With regard to transformation of the signs and satisfaction villagers, design with stress on semi logy analysis and utilization of old rural sings that is acceptable by villagers that must be rehabilitation or relocation can be use for designing villages.

Keywords: Relocation; Semiotics; The old village; the new village; Babapashman village.

چکیده

در اغلب «برنامه‌های بازسازی پس از سانحه»، سیاست جابجایی کل یا بخشی از سکونتگاه، به عنوان راه‌حلی مناسب از لحاظ فنی، جهت کاهش خطر و ایمنی از پدیده‌هایی چون زلزله، سیل، رانش زمین و غیره مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. با این حال بررسی تجارب مختلف حاکی از آن است که پیامدهای جابجایی به گونه‌ای بوده که عموماً بازماندگانی که جابجا شده‌اند به دلایل مختلفی از جمله عدم تطبیق معماری روستای بازسازی شده با معماری روستای قدیم در فرآیند بازتوانی، «از جابجایی رضایت نداشته و جابجایی اغلب به از دست دادن خوداتکایی روستاییان و حس تعلق به مکان در روستای جدید منجر شده است.» این مقاله روستارابه مثابه متنی می‌پندارد که از لایه‌های مختلفی تشکیل شده و با بررسی رویکردهای نشانه‌شناسی، به تحلیل چگونگی استحاله نشانه‌هایی چون «خط افق»، «نظام همسایگی»، «الگوی شبکه معابر» و غیره در روستای باباشمان استان لرستان می‌پردازد. برای این منظور از «رویکرد نشانه‌شناسی معماری امبرتواکو» و تفکیک نشانه‌ها به «رمزگان تکنیکی»، «رمزگان تحلیلی» و «رمزگان معنایی» استفاده گردیده و برای سنجش میزان رضایت‌مندی روستاییان، از «روش پیمایشی» استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از «استحاله نشانه‌های مسکن روستای قدیم» و حفظ نشانه‌های بافت در روستای جدید است. بکارگیری نشانه‌هایی از روستای قدیم که مورد پذیرش روستاییان است موجب رضایت‌مندی روستاییان از بازسازی و سکونت در روستای جدید گردیده است، طراحی با تکیه بر تحلیل نشانه‌شناسی می‌تواند راهبردی برای طراحی روستاهایی باشد که می‌بایست از نوساخته و یا جابجا شوند. واژگان کلیدی: سکونتگاه روستایی، جابجایی، بازسازی، نشانه‌شناسی، روستای باباشمان.

مقدمه

نشان داده که جابجایی اجباری با افزایش استرس (روحي- رواني و اجتماعي)، ميزان مرگ و مير و بيماري‌ها را شدت مي‌بخشد و مخاطرات بهداشتي ديگري نيز به همراه دارد (Hemadri, Ravi et Al, 1999). نتيجه اين مسأله، بر هم خوردن انسجام روستاييان و در مواردی مهاجرت ايشان و عدم استقبال آنان از سکونتگاه‌های جديد است. اين مقاله بر اين فرض است که «طراحی با تکیه بر تحليل نشانه‌شناسی^۴ روستای قدیم»، بر رضایت مندی جابجاشوندگان تأثیرگذار است و با بکارگیری نشانه‌هایی از روستای قدیم که مورد پذیرش روستاييان است و با توجه به قابليت جابجایی نشانه‌ها در محورهای «جان‌شینی»^۵ و یا «هم‌نشینی»^۶، می‌توان در طراحی مسکن و بافت روستای جدید، تعلق خاطر جابجا شوندهگان را به مکان جدید افزایش دهیم. در این مقاله جابجایی روستای باباپشمان استان لرستان، که در زلزله سال ۱۳۸۵ به علت قرارگیری بر روی خط‌گسل جابجاشد و طراحی روستای جدید آن با تکیه بر «تحليل نشانه‌شناسی» و «استفاده از نشانه‌های روستای قدیم» انجام شده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش نخست مقاله به تبیین کاربرد نشانه‌شناسی در خوانش معماری روستا، و در بخش دوم به تحليل نشانه‌های روستای باباپشمان و میزان رضایت مندی روستاييان از طرح روستای جدید، که به شیوه پیمایشی انجام شده است پرداخته خواهد شد. نتایج کیفی پژوهش حاکی از استحاله نشانه‌ها و نتایج کمی، حاکی از تأیید فرضیه و رضایت مندی روستاييان از بافت سکونتگاه جدید است.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله ترکیبی از «روش کیفی و کمی»

مروری بر «متون نظری بازسازی»^۱، حاکی از آن است که تا دهه‌های گذشته تنها جنبه‌های کالبدی و ملموس مسکن از نظر فنی، اقتصادی و آن هم از نقطه نظر سازمان‌های مسئول مورد توجه قرار می‌گرفته و در دهه اخیر همراه با اهمیت یافتن رویکردهای اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و اهداف «توسعه پایدار»^۲ به تدریج ابعاد دیگر فرآیند تأمین مسکن پس از سانحه، ظرفیت‌ها و نیازهای جامعه محلی نیز مورد توجه قرار گرفت.

(1987, Fallahi 1996, Davidson et Al., 2006)

(Aysan & Oliver

مطالعات مربوط به «موضوع جابجایی»^۳ سکونتگاه‌های روستایی» به دلایل مختلف اعم از وقوع سوانح در متون نظری ایران و جهان منابع غنی ندارد (Habitat, 1988). به نظر می‌رسد موضوع جابجایی سکونتگاه اغلب موضوع پیچیده مورد بحث محققان مختلف است (Aysan & Davis 1993).

در ایران در بسیاری موارد، با وجود تجربه زلزله‌های منجیل، بم، و لرستان در بازسازی سکونتگاه‌های روستایی پس از جابجایی، شهرک‌هایی طراحی شده که توجه به نیازهای شهری بوده است و نتیجه آن فقدان کارکردهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در روستاها است. در جابجایی سکونتگاه، گروه‌های قوم و خویش پراکنده می‌شوند، «هویت فرهنگی»، «اقتدار سنتی» و «پتانسیل کمک متقابل»، تحلیل یا به طور کلی از دست می‌رود (World Bank, 2005) علاوه بر این جابجایی دارایی‌های مولد و تولیدی را نابود کرده و آثار زیست محیطی شدیدی را بوجود می‌آورد و همچنین منابع طبیعی ارزشمندی را از بین می‌برد. تحقیقات



دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۸۸

1. Reconstruction

فعال کردن تمامی خدمات، ترمیم و دوباره سازی ساحتارهای زیربنایی و سازه‌های تخریب شده، احیاء حیات اقتصادی و بازگرداندن فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را بازسازی تعریف می‌نمایند (Aysan & Davis, 1993:48).

2. Sustainable Development

3. Relocation

4. Semi logy

5. Paradigmatic، جان‌شینی: چگونگی جایگزینی عناصر بجای هم

6. Syntagmatic، هم‌شینی: چگونگی قرارگرفتن عناصرکنار هم.

سکونتگاه»، از سوی مسئولین بازسازی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد (بنیاد مسکن، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲).

«جابجایی اجتماع انسانی» می‌تواند کالبدی، یا اقتصادی باشد. جابجایی کالبدی، تغییر محل کالبدی مردم است که منجر به رها نمودن مکان استقرار و احتمالاً سرمایه‌های مولد یا دسترسی به سرمایه‌های مولد یا دوری از آنها می‌گردد؛ اما جابجایی اقتصادی، از اقدامی ناشی می‌شود که بدون جابجایی کالبدی، دسترسی مردم به سرمایه‌های مولد را متوقف یا حذف می‌کند بانک جهانی برای پذیرفتن جابجایی تعریف زیر را ارائه می‌دهد (IFC, 2002):

«جابجایی عبارت است از فعالیت‌های لازم برای استقرار در مکان جدید و اتحاد با اجتماعات موجود طوری که این فرصت را به آنها بدهد، توان فیزیکی خود را بازیابد و به لحاظ اقتصادی در کوتاه‌ترین زمان ممکن به خوداتکایی و پایداری برسند.»

در مورد سوانح انسان ساخت؛ همچون جنگ و درگیری‌های داخلی واژه جابجایی در ارتباط با افراد به کار رفته و طبق تعریف «کمیساریای عالی پناهندگان سازمان

است. در «روش کیفی» با «شیوه میدانی» و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و «اسنادی» و در بستر «رویکرد نشانه‌شناسی» به تحلیل نشانه‌های روستای قدیم و تطبیق آنها با نشانه‌های معماری روستای جدید پرداخته شده است. در «روش کمی» که به «شیوه پیمایشی» انجام شده است، برای تعیین «تعداد حجم نمونه» از «فرمول کوکران»^۷، ۳۵ سرپرست خانوار به طور تصادفی انتخاب شدند و میزان رضایت‌مندی روستاییان از طرح مسکن و بافت در روستای جدید، با استفاده از «پرسشنامه» و به «روش لیکرت»^۸ مورد بررسی قرار گرفته است؛ یکی از مقیاسها که برای سنجش عقیده، احساس، تمایل و یا نگرش افراد یک جامعه کاربرد زیادی دارد، قیاس لیکرت می‌باشد و سؤالات پرسشنامه‌های این پژوهش مبتنی بر این روش طراحی گردیده است.

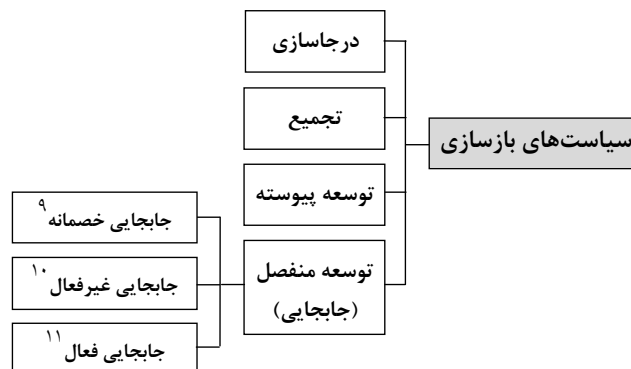
جابجایی سکونتگاه‌های روستایی

در برنامه‌های بازسازی سکونتگاه‌های روستایی در ایران مطابق نمودار شماره ۱، چهار سیاست «درجاسازی»، «تجمیع»، «توسعه پیوسته» و «جابجایی کل

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۸۹



نمودار ۱. سیاست‌های بازسازی سکونتگاه‌های روستایی

7. Test Cochran، حجم نمونه از فرمول زیر که بنام فرمول کوکران نام‌گذاری شده بدست آمده است: $n = \frac{N.t^2.p(1-p)}{N.d^2 + t^2.p(1-p)}$ حجم نمونه، $N =$ تعداد کل جامعه آماری، $t^2 =$ مقدار t استیوودنت، موقعی که سطح معنی داری

از ۰/۰۵ کمتر باشد، $d^2 =$ تقریب در برآورد پارامتر جامعه، که برابر با ۰/۰۷۲ = p احتمال وجود صفت $(1-p) =$ احتمال عدم صفت Likert Scale 8

9. Hostile Relocation، جابجایی خصمانه: شرایطی که به افراد ضعیف تحمیل می‌شود که جابجا شوند و کجا بروند.

10. Passive Relocation، جابجایی غیرفعال: شرایطی که افراد به دلیل موانعی برای بازگشت به خانه دور از آن اسکان می‌یابند.

11. Active Relocation، جابجایی فعال: شرایطی که افراد می‌توانند به خانه بازگردند اما خود اسکان در محل دیگری را انتخاب

می‌کنند

نشانه‌ها در بطن زندگی اجتماعی می‌پردازد. از نظر او نشانه، موضوعی فیزیکی و معنادار است و از ترکیب «دال»^{۱۴} و «مدلول»^{۱۵} شکل می‌گیرد که بین این دو رابطه‌ای طبیعی و یا ضروری برقرار نیست، بلکه رابطه میان آنها از طریق قرارداد، قاعده و یا توافقی برقرار می‌شود، که مورد پذیرش جامعه است. از منظر سوسور، کلید فهم نشانه‌ها توجه به رابطه ساختاری آنها با نشانه‌های دیگر است. چندی پس از سوسور، «چارلز سندرس پیرس»^{۱۶} در آمریکا نوع دیگری از نشانه‌شناسی را معرفی کرد^{۱۷}.

پیرس که پدر سنت نشانه‌شناسی آمریکایی معروف است، در پروژه مطالعاتی خود بر «دلالت»^{۱۸} تأکید ویژه می‌نهد و در واقع نشانه‌شناسی را نظریه عمومی شیوه‌های دلالت تعریف می‌کند از این رو از دیدگاه او، عناصر اصلی در نظریه نشانه‌شناسی شامل نشانه، موضوع و مفسر است که سه ضلع یک مثلث را تشکیل می‌دهند (جدول شماره ۲).

«امبرتو اکو»، برای تحلیل نشانه‌شناسی معماری سه دسته رمزگان معرفی می‌کند؛ این رمزگان‌ها بر اساس درجه اهمیت به طور مختصر معرفی می‌شوند:

ملل متحد»^{۱۲} جابجایی عبارت است از: «اسکان پناهندگان در مکانی غیر از مناطق اصلی و اولیه‌شان» (5: UNHCR, 1998). در ایران، بسیاری از روستاها بدلائیل مختلفی جابجا می‌گردند و طبق آمار موجود در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۸۸ در روستاهای جابجا شده تعداد ۲۰۹۳۰ واحد مسکونی، احداث شده است (بنیاد مسکن، ۱۳۸۹). در جدول شماره ۱، آماری از روستاهای جابجا شده و در دست جابجایی و تعداد روستاهایی که به دلایل طبیعی (سیل، زلزله، رانش زمین و غیره) یا غیر طبیعی (جنگ، اجتماعی، سیاسی و غیره) جابجا شده‌اند، ارائه گردیده است.

نشانه‌شناسی

«نشانه‌شناسی با هر چیز که بتواند یک نشانه قلمداد شود، سروکار دارد» (اکو، ۱۹۷۶، ص ۶). نشانه‌شناسی نه فقط شامل مطالعه چیزهایی است که ما در مکالمات روزمره نشانه می‌نامیم، بلکه مطالعه هر چیزی است که بر چیز دیگر اشاره دارد (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۲۰). «فردینان دو سوسور»^{۱۳} نشانه‌شناسی را به معنای «علم مطالعه علائم و نشانه‌ها در بطن زندگی اجتماعی» تعریف کرده است (دو سوسور، ۱۳۸۴، ص ۲۴). او به مطالعه زندگی و حیات



دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۱۹۰ ■

جدول ۱. آمار روستاهای جابجا شده یا در دست جابجایی در ایران از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸؛ منبع: بنیاد مسکن.

علت جابجایی		تعداد روستا	
طبیعی	غیر طبیعی	روستای در دست جابجایی	روستای جابجا شده
۴۴۸	۱۴۶	۱۰۶	۵۵۴

12. United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)

13. Ferdinand. De. Saussure

14. Signifier

15. Signified

16. Charles Sanders Peirce

۱۷. پیرس میان شمایل (icon)، نمایه (index)، و نماد (symbol) تمایز قائل شد. به اعتقاد وی، شمایل نشانه‌ای است که میان صورت و معنی اش نوعی شباهت صوری وجود داشته باشد (نشانه تصویری). نمایه نشانه‌ای است که میان صورت و معنی اش نوعی رابطه علی وجود داشته باشد (نشانه طبیعی)، و نماد نشانه‌ای است که میان صورت و معنی اش رابطه قراردادی وجود داشته باشد (صقوی، ۱۳۸۶).

17. Signification

جدول ۲. مقایسه نظام نشانه‌های سوسور و پیرس

پیرس	سوسور
نشانه + موضوع + مفسر	دال + مدلول
مثلت نشانه‌های پیرس ^{۲۰}	نظام نشانه‌های سوسور ^{۱۹}

- دسته اول را اکو، «رمزگان تکنیکی»^{۲۱} می نامد که شامل عناصر اولیه معماری می شود؛ و
- دسته دوم، «رمزگان‌های نحوی»^{۲۲} است که عناصر معماری بر اساس منطق خاصی در رابطه همنشینی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و دلالت معنایی ایجاد می‌کنند؛ و
- دسته سوم، «رمزگان‌های معنایی»^{۲۳} است.

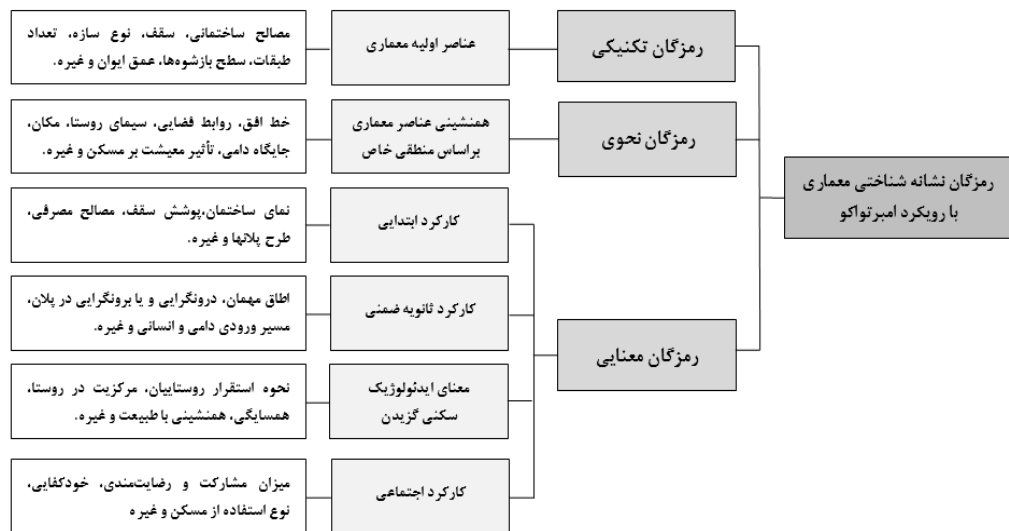
در اینجا است که عناصر منفرد معماری در ارتباط دلالت‌های یک به یک و ضمنی، دلالت معنایی عمیق‌تر و شاخص‌تری را تولید می‌کنند. اکو، «رمزگان‌های معنایی» را به چهار گونه تقسیم می‌کند:

این نوشتار با مدلی از تحلیل نشانه‌شناسی معماری امبرتو اکو به تحلیل و چگونگی استحاله نشانه‌های مهمان در روستای جدید، در محورهای همنشینی و جانمایی می‌پردازد (نمودار ۲).

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

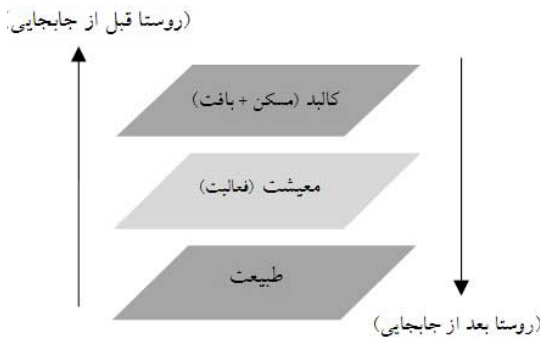
۱۹۱



نمودار ۲. برگرفته از رویکرد تحلیلی نشانه‌شناسی معماری امبرتو اکو

- 21. Technical Codes .۱۹. امبرتو اکو، ۱۳۸۷، ص ۷.
- 22. Syntactic Codes .۲۰. امبرتو اکو، ۱۳۸۷، ص ۸.
- 23. Semantic Cod

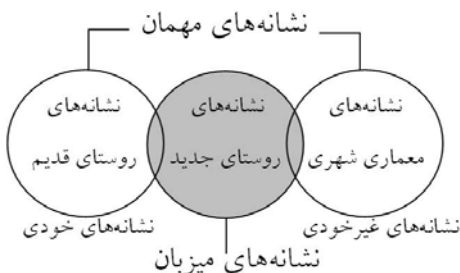
نشانه‌شناسی سکونتگاه‌های روستایی



نمودار ۳. ترتیب همنشینی لایه‌های شکل‌گیری روستا، قبل و بعد از جابجایی

جاننشینی مقایسه عناصر و قائل شدن به تمایز بین آنها می‌باشند. همنشینی با روابط درون متنی با دیگر دال‌ها که در متن وجود دارند مربوط است در حالیکه جاننشینی به روابط بین متنی، به دال‌هایی ارجاع پیدا می‌کند که در متن غایب هستند (سوسور، ۱۹۸۳، ص ۱۲۲).

«انتقال‌های جاننشینی» شامل «جایگزینی و جابجایی»، و «انتقال‌های همنشینی» شامل «افزایش و حذف»، به عنوان چهار فرآیند اساسی جنبه‌های ادراک و یادآوری مورد توجه قرار گرفته‌اند (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷)، بنا به نظر چندلر ساختار تمام متون و فرآیندهای فرهنگی دارای هر دو محور جاننشینی و همنشینی است (همان، ص ۱۳۱). در جابجایی روستاها نشانه‌های برگرفته از روستای قدیم را «نشانه‌های مهمان خودی»، نشانه‌هایی که معمولاً برگرفته از فرهنگ شهرنشینی است را «نشانه‌های مهمان غیر خودی» و نشانه‌های مکان جدید با در مواردی که جابجایی به تجمیع روستای جابجاشده با روستای دیگری منجر می‌گردد را «نشانه‌های میزبان» می‌نامیم (نمودار شماره ۴).



نمودار ۴. نشانه‌های مهمان و نشانه‌های میزبان

هر بنایی از مجموعه‌ای عناصر یا نمادها و مجموعه‌ای از قواعد برای ترکیب این نمادها ساخته می‌شود (الکساندر، ۱۳۸۶، ص ۱۶۰). «زبان معماری» که با نشانه‌ها و نمادها و فرم‌های زمینه آن بیان می‌شود، علاوه بر آنکه نشان دهنده زندگی اجتماعی و رفتارهای ساکنان آن است و چگونگی سکونت را فراهم می‌کند، بیان‌کننده زندگی ذهنی ساکنان آن نیز می‌باشد (شصتی، ۱۳۸۶، ص ۷). «سوسور» با تأکید بر زبان معتقد است که «زبان واقعیت» را منعکس نمی‌کند بلکه آن را «بنا» می‌کند؛ همانطور که هایدگر بیان می‌کند: «زبان خانه هستی است». لذا زبان تنها در خدمت ارتباطات نبوده و برای آشکار ساختن ساختارهای اصلی وجودی نیز به کار می‌رود. بستر زمین و مکان شکل‌گیری روستا همچون دستور زبانی است که حاکم بر شکل کالبدی آن است، طرح یک روستا و ساختار و روابط کوچک‌ها و محلات و فضاهای همسایگی آن همه بر مبنای روابط فرهنگی خاصی شکل گرفته و هر کدام در یک ساختار واحد عمل می‌نمایند؛ همانطور که سوسور می‌گوید: «کل وابسته به اجزا است و اجزا وابسته به کل» (سجودی، ۱۳۸۲، ص ۷۱). روستا به عنوان پدیده‌ای انسان ساخت، قبل از جابجایی به طور تدریجی و طی سالیان متمادی بدون دخالت دولت شکل گرفته و حاصل برآیند نیروهای بسیار و انبوهی از لایه‌ها از جمله همنشینی طبیعت و معیشت روستایی در کنار کالبد معماری است؛ در حالیکه کالبد معماری روستا پس از جابجایی با دخالت وسیع دولت بر معیشت و طبیعت روستا تحمیل می‌گردد (نمودار شماره ۳) که در فرآیند این تغییر در بسیاری موارد، سکونتگاه جدید روستاییان، منطبق بر نیازمندیها و معیشت روستایی نمی‌باشد، نتیجه این مسأله، بر هم خوردن انسجام روستاییان و در بسیاری مواقع، مهاجرت ایشان و عدم استقبال از سکونتگاه جدید است. از اینرو برای افشای مفهوم سکونت در روستا همچون تحلیل زبانشناسان می‌بایست، در پی خوانش متن روستای قدیم بود.

سوسور در نگرش خود به موضوع نشانه‌شناسی به «روابط همنشینی و جاننشینی» اشاره می‌کند (سوسور، ۱۳۸۲). روابط همنشینی امکاناتی برای ترکیب‌اند؛ اما روابط

می‌باشد. سپس در مرحله بعد، گونه جدید با گونه نشانه‌ای قدیمی ارتباط برقرار نموده و به این ترتیب گونه جدید را می‌توان به ادامه حیات زیستی گونه قدیمی تعبیر نمود.

۳. در این مرحله تمایلی شکل می‌گیرد مبتنی بر این طرز تفکر که گونه صادر شده در سرزمین یا مکان اصلی خود به خوبی شناخته و کشف نگردیده است. به همین دلیل در سرزمین جدید که پایگاه جدیدی برای حیات آن به شمار می‌رود مدلولی نو و متفاوت به نشانه وارد شده نسبت داده می‌شود که در سرزمین یا پایگاه اصلی خود آن نشانه، خبری از آن نبوده است.

۴. گونه نشانه‌ای غیر خودی به قدری در فرهنگ سرزمین جدید نفوذ می‌نماید که کاملاً در آن مستحیل می‌گردد و به گونه‌ی نشانه‌ای تبدیل می‌گردد که دیگر به هیچ وجه بوی ناآشنا نمی‌دهد. به این ترتیب، جهت و معنای تازه‌ای به آن نشانه داده می‌شود که سرنوشت آن را با سرنوشت قبلی‌اش کاملاً متفاوت می‌سازد.

۵. نشانه جدید در سرزمین میزبان که روزی پذیرای آن بوده است، آن قدر خودی می‌گردد، که دیگر نمی‌توان از نشانه خارجی سخن گفت و، سرزمین میزبان خود تبدیل به صادرکننده گونه‌ای نشانه‌ای می‌گردد که روزی دریافت کننده آن بوده است.



نمونه مورد مطالعه

زلزله لرستان و جابجایی روستای باباپشمان

استان لرستان، استانی کوهستانی که در میان کوه‌های آن دشت‌هایی کم وسعت و اغلب حاصلخیز دیده می‌شود. این دشت‌ها مکان اصلی اسکان جمعیت هستند و اغلب شهرهای استان و همچنین بسیاری از روستاهای پرجمعیت در آنها استقرار یافته‌اند. در تاریخ ۱۱ فروردین ماه سال ۱۳۸۵ زلزله‌ای با بزرگی ۶.۱ در مقیاس ریشتر در استان لرستان با کانون چالان چولان و در مرز شهرهای دورود و بروجرد به وقوع پیوست. شهرستان‌های بروجرد، دورود و خرم‌آباد و روستاهای پیرامون آن‌ها، تحت این لرزش قرار گرفتند. این سانحه منجر به کشته

برای هر گونه مداخله و یا طراحی سکونتگاه روستایی می‌توان با تکیه بر تحلیل نشانه‌شناسی از ترکیب نشانه‌های روستای قدیم و شناسایی نشانه‌هایی از معماری شهری که مورد پذیرش روستاییان می‌باشد روستای جدید را طراحی نمود. بنابراین روستا به مثابه متنی است که تمام ویژگی‌های زبانی را داراست و می‌بایست برای هرگونه مداخله در روستا، آشنا با دستور زبان و مناسبت‌ها و روابط بین اجزاء آن عمل نمود. براساس «دیدگاه لوتمان»^{۲۴}، نه تنها نشانه، قابلیت جابه‌جایی و عبور از سرزمینی به سرزمینی دیگر را دارد، بلکه با تکیه بر این ویژگی بی‌مرزی می‌تواند آن قدر در سرزمین میزبان جولان دهد تا پا را از همزیستی فراتر نهاده و خود به نشانه‌ای نوو بی‌مانند تبدیل گردد. اگرچه لوتمان، «سپهر نشانه‌شناسی»^{۲۵} خود را در حوزه «ترجمه» بیان می‌دارد، اما نمی‌توان این موضوع را کتمان نمود که اگر ترجمه، نشانه فرهنگی را از سرزمینی به سرزمینی دیگر می‌برد، گفتمان هنری نیز این حق را به خود می‌دهد تا نشانه هنری را از جایگاه اصلی خود جدا ساخته و در تلاقی و تعامل با نشانه‌ای که متعلق به حوزه و جایگاهی دیگر است، قرار دهد (شعیری، ۱۳۸۵، ص ۱۴۳). اصول سپهر نشانه معناشناختی لوتمان را می‌توان به ترتیب زیر تعبیر نمود (Y. Lotman, 1999, p.227):

۱. نشانه غیر خودی و خارجی (مهمان) با ورود به سرزمین خودی در موقعیت ارزشمند و برتر قرار می‌گیرد؛ به شیوه‌ای که به آن نسبت گونه نشانه تعالی داده می‌شود. به همین ترتیب، گونه‌های نشانه‌ای قبلی که شناخته شده و رایج هستند، (نشانه‌های خودی و میزبان) به عقب رانده شده و رنگ می‌بازند، تا جایی که در بعضی مواقع به آنها نسبت گونه‌های نشانه‌ای بی‌ارزش یا پیش پا افتاده داده می‌شود.

۲. دو گونه نشانه‌ای که در تلاقی با یکدیگر قرار گرفته‌اند، یکدیگر را مورد حمایت قرار می‌دهند. میزبان و مهمان در تشریک مساعی با یکدیگر وارد همزیستی مسالمت‌آمیز می‌گردند. در ابتدا، مهمترین اتفاق، قطع ارتباط با گذشته و گونه‌های رایج و ایدئال سازی گونه جدید

24. Y. Lotman

25. Semi sphere



تصویر ۱. روستای باباشمان؛ منبع: نگارندگان

شدن ۶۴ نفر و مجروح شدن ۱۴۱۸ نفر شد. علاوه بر گذشته شدن ۵۰۲۸ راس دام، به ۴۶ هزار واحد مسکونی شهری و روستایی، ۷۰۰۰ واحد جایگاه دامی و ده‌ها ساختمان دولتی و اماکن متبرکه و بناهای تاریخی، مدرسه و غیره خسارت وارد گردید (بنیاد مسکن، ۱۳۸۷، ص ۴). در بازسازی استان لرستان روستای باباشمان به علت فرارگیری روی خط گسل، به ضلع جنوبی جاده اصلی به فاصله حدود ۳۰۰ متری از روستای قبل، جابجا شد (تصویر شماره ۱).

- طراحی بر اساس معیشت و توسعه بر اساس نیازمندی‌ها؛ و
- عدم تفکیک ورودی فضای دام و انسان؛ و
- عدم اختصاص عملکردی مشخص به اتاق‌ها (انعطاف پذیری فضاها).

برخی از ویژگی‌های کلی روستای باباشمان بعد از جابجایی

الف- طرح مسکن

در طراحی مسکن روستای باباشمان از طرح معماری تیپ با متراژ ۶۰ مترمربع استفاده شده است. سازه طرح مذکور از اسکلت فلزی با اتصالات پیچ و مهره‌ای است که به طور پیش ساخته در اختیار روستاییان قرار گرفته است. سقف سبک شیروانی بکار رفته در مسکن جدید در تضاد با سقف سنگین مسکن قدیم است و بطور کلی طرح مسکن جدید برگرفته از معماری شهری است و رمزگان تکنیکی، نحوی و معنایی در روستای جدید در مقایسه با طرح قدیم همانگونه که در جدول شماره ۳ عنوان شده در شکلی جدید ظاهر شده و شباهتی با طرح مسکن روستای قدیم ندارد. در نمودار شماره ۶، نوع استفاده خانوار و چگونگی استقرار مسکن ارائه گردیده است.

ب - طرح بافت

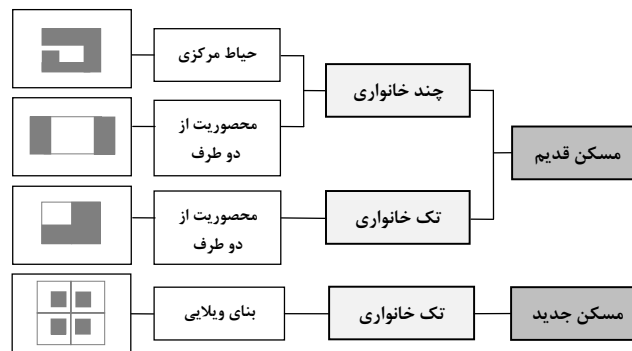
الگوی طرح بافت و شبکه معابر روستای جدید باباشمان برگرفته از روستای قدیم می‌باشد. در طرح روستای جدید شبکه معابر و نظام همسایگی، شمایی از روستای قدیم بوده که در جهت عقربه‌های ساعت، طرح قدیم ۱۸۰ درجه چرخیده است (مطابق تصویر شماره ۲). پیرس در

بررسی رمزگان نشانه‌شناختی روستای باباشمان امبرتو اکو بر این باور است که در نشانه‌شناسی نه از «نشانه‌ها» بلکه از نقش نشانه‌ای ۲۶ باید سخن گفت؛ نقش نشانه‌ای رابطه‌ای است قراردادی که میان بیان و محتوا بر قرار می‌شود. در این میان، محتوا خود ساخته و پرداخته فرهنگی مشخص است. از این رو بیان در وهله نخست به فرهنگ بر می‌گردد؛ از سوی دیگر، اکو به گونه‌شناسی نشانه‌ها اعتقادی ندارد و بر این باور است که فرهنگ و قراردادهای منتج از آن در زمره عوامل عمده تولید نشانه‌ها قرار دارند (امبرتو اکو، ۱۳۸۷، ص ۱۰-۹). از اینرو در ادامه به بررسی ویژگی‌های کلی و تشریح برخی از نشانه‌ها روستای باباشمان قبل و بعد از جابجایی می‌پردازیم.

برخی از ویژگی‌های کلی روستای باباشمان قبل از جابجایی؛ عبارتند از:

- انطباق محیطی و جغرافیایی کالبد با مکان؛ و
- استفاده از مصالح بوم آورد؛ و
- دو طبقه بودن واحدهای مسکونی (طبقه همکف فضای دامی، خدماتی و طبقه اول فضاهای سکونت)؛ و
- استفاده از فضای باز برای فعالیت‌های معیشتی؛ و

۲۶. نقش نشانه‌ای رابطه‌ای قراردادی است که میان بیان و محتوا بر قرار می‌شود (امبرتو اکو، ۱۳۸۷، ص ۹).



نمودار ۵. نحوه استقرار مسکن قدیم و جدید روستای باباپشمان.

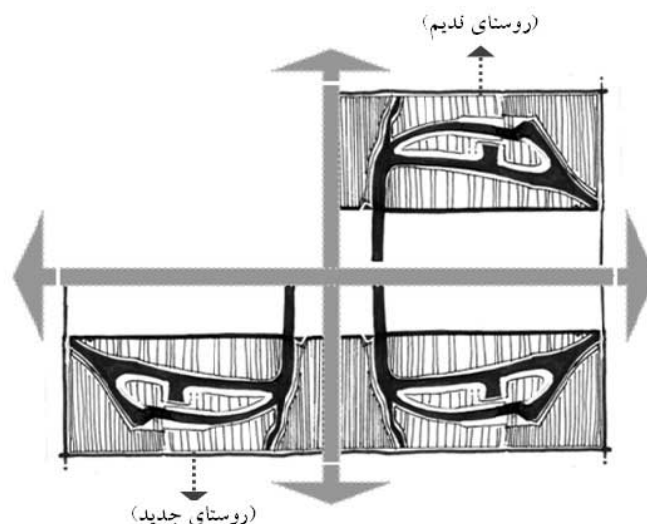
در روستای قدیم باباپشمان مرکز روستا دارای هویت ویژه‌ای بود و به عنوان یک قرارگاه رفتاری و مرکز محله در روستا به شمار می‌رفته، حضور درختان کهنسال و چشمه آب و محل اجتماع روستاییان در مرکز هویت ویژه‌ای به روستای قدیم بخشیده بود. پس از جابجایی، با توجه به طراحی صورت گرفته جهت حفظ هویت پیشین، مسجد روستا جانشین عناصری چون درخت و آب شده است.

در گذشته فضای مرکزی در عین محصوریت، خالی از عناصر مصنوع بود در حالیکه پس از جابجایی توده بنای مسجد، جانشین عناصر طبیعی همچون درختان کهنسال و چشمه آب در روستای قدیم شده است. در روستای قدیم اغلب روستاییانی که دام بیشتر داشتند در کناره‌های روستا سکنی گزیده بودند، در روستای جدید نیز همانند گذشته، روستاییانی که دام بیشتر دارند در

تعریف شمایل‌گرایی می‌گوید: «نشانه هنگامی شمابلی است که بتواند موضوع خود را اساساً از طریق مشابهت بازنمایی کند» (امبرتواکو، ۱۳۸۷، ص ۴۴). طرح بافت روستای جدید باباپشمان همانگونه که در جدول ۳، عنوان شده از طریق مشابهت‌های هندسی با نشانه‌هایی همچون الگوی معابر، زاویه، دسترسی، طرح شبکه معابر، نظام همسایگی و غیره شمابلی از روستای قدیم می‌باشد. به علت همشکلی بافت روستای جدید با روستای قدیم و شکل‌گیری مراکز محله و واحدهای همسایگی مطابق روستای قدیم، نحوه استقرار روستاییان مطابق الگوی گذشته صورت گرفته است.

- بیرون به درون (از حاشیه به مرکز)

یکی از مباحث اصلی نشانه‌شناسی (بویره نشانه‌شناسی معماری) حرکت درون یک متن است: «معماری امکان آمد و رفت انسانها را با دوام بی‌زمانی خود بر آورده می‌سازد [...] معماری تسهیلاتی فراهم می‌آورد تا بدان داخل شوند، در آن راه بروند، در آن زندگی بکنند و بدین ترتیب با صورت خود، حضور انسان را به رسمیت می‌شناسد» (آرنه‌ایم، ۱۳۸۲، ص ۱۹۶) حرکت درون فضاهای یک بنا نه تنها کارکردی ابتدایی و فایده‌گرا دارد، بلکه می‌تواند در سه سطح اکو هم قابل طرح باشد. همچنین حرکت خود رمزگان نحوی بنا را هم بر ما نمایان می‌سازد (نجومیان، ص ۱۱۶).



تصویر ۲. ایدئوگرام طرح روستا بعد از جابجایی؛ منبع: نگارندگان.

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer



تصاویر ۳ و ۴. تصویر راست همنشینی واحد مسکونی و جایگاه دام. تصویر چپ نمایی از واحدهای جدید، منبع: نگارندگان.

حاشیه و کناره‌های روستا ساکن شده‌اند و مرکزیت روستا با حضور مسجد از هویت و اهمیت بیشتری نسبت به حاشیه روستا برخوردار شده است.

- محورهای عمودی و افقی

در روستای قدیم خانه‌های روستاییان در دو طبقه ساخته شده بود که طبقه فوقانی فضای مسکونی و طبقه زیرین به جایگاه دامی اختصاص پیدا کرده بود. حضور انسان در بالا به اهمیت دام و امنیت روانی ساکنین اشاره داشته و انسان با دام در یک محور عمودی همنشینی بوده است در حالیکه پس از جابجایی روستا، جایگاه دامی در کنار فضای مسکونی ساخته شد، و همنشینی انسان در کنار دام در امتداد محور افقی قرار گرفته است.

- منظر و سیمای روستا

تحلیل همنشینی در پی رابطه هر فریم، نما، صحنه یا سکانس با دیگری است. منظر یک روستا شامل مجموعه‌ای بیش از یک نما است که در یک مکان و زمان واقع شده است حرکت در روستا تجربه سکانس‌ها و نماهایی است که خود شامل لایه‌هایی از همنشینی بافت

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۹۶



تصاویر ۵ و ۶. تصویر راست همنشینی روستا با کوه‌های زاگرس در مقایسه با تصویر چپ همنشینی روستا با دشت سیلاخور منبع: نگارندگان.



تصاویر ۷ و ۸. تصویر راست معبر اصلی روستا و تصویر چپ تفکیک فضای دام از انسان؛ منبع: نگارندگان.

دامی و انسانی هر دو پلاک، به تفکیک در کنار هم طراحی و اجرا شده‌اند و به همین ترتیب در سمت دیگر معابر ورودی‌های انسانی و ورودی‌های دامی نیز در مقابل هم ساخته شده‌اند. در مواردی ورودی‌های انسانی بعضاً بسته شده و همانند گذشته دام و انسان از یک مسیر تردد می‌نمایند. در بررسی نتایج پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده، روستاییان علت را، صرفاً ضعف توان مالی در تهیه دودرب مجزا عنوان کرده‌اند. تفکیک ورودی دام از انسان با برتری و تفاخر ورودی انسانی، که با عقب نشینی از دیوار حصار و تغییر در خط افق و تعبیه پاخوره‌هایی برای نشستن، که برگرفته از طرح‌های ورودی روستای باباشمان قدیم است اجرا شده (نشانه‌های مهمان خودی) و در پاره‌ای از موارد پاخوره‌های اجرا شده که در گذشته محل نشستن پیران و یا مکانی برای سهولت پیاده شدن ایشان و یا زنان و کودکان بوده به گلدان‌هایی

تغییر خط افق روستای قدیم به خط شکسته و استفاده از سقف‌های شیروانی با رنگ‌های متفاوت در تقابل با طبیعت سیلاخور خودنمایی می‌کند و نشانه‌ای از معماری شهر بروجد است (نشانه مهمان غیر خودی) که جانشین سقف خانه‌های روستای قدیم که فضایی عملکردی، و قابل دسترس بوده، گردیده است. تغییر در جنس مصالح ساختمانی و نوع سازه از شیوه‌ای سنتی به روشی پیش ساخته، سیمای روستا را دستخوش تغییر نموده و نماها و مصالح مدرن، جانشین سیمان و مصالح بومی روستای قدیم شده است.

- تفکیک ورودی دامی از انسانی

در روستای قدیم ورودی دامی و انسانی یکی بوده و هر دو از یک مسیر به فضای خانه وارد می‌شدند. در روستای جدید جایگاه دام و بنای مسکونی و به تبع آن ورودی‌های



مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۹۷

جدول ۳. بررسی رمزگان نشانه شناختی روستای باباشمان از دیدگاه امبرتواکو، منبع: نگارندگان

رمزگا	عناصر	قبل از جابجایی	بعد از جابجایی
تفکیک	مسکن	پلان فشردده، دسترسی بین فضاها زنجیره-ای - درونگرایی در پلان	پلان باز، دسترسی بین فضاها بطور ساده- برونگرایی در پلان
	شیوه استقرار بنا	طول بنا شرقی و غربی	روبه جنوب، به سمت قبله
	تعداد طبقات	دو طبقه، فضای	یک طبقه، فضای مسکونی در کنار

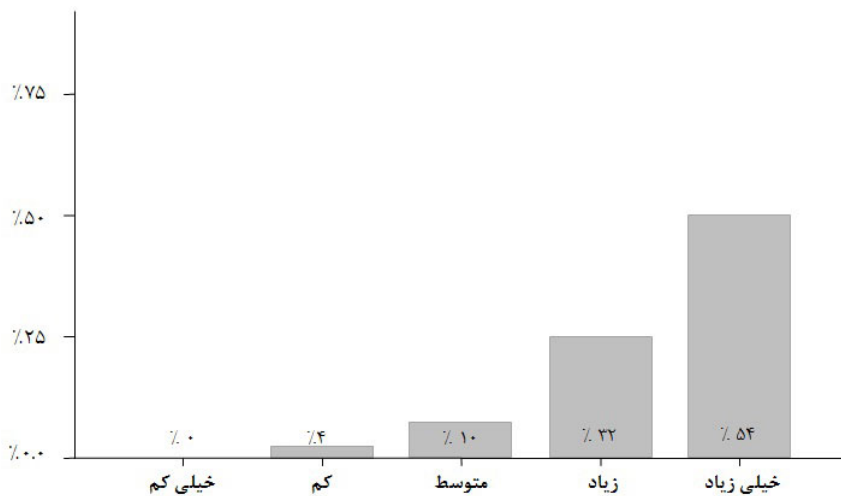
	فضای دامی		مسکونی بر روی فضای دامی	دیوار	مصالح	
	بلوک‌های سفالی		بلوک‌های خشتی و آجری			
	سبک : غالباً سقف شیروانی با ظرفیت حرارتی پایین		سنگین، طاق توپزه و ضربی با ظرفیت حرارتی زیاد	سقف		
	آجر نما و نمای سنگی		کاهگل	3		
	اسکلت فلزی پیچ‌و-مهره‌ای		غالباً دیوار باربر	سازه		
	یک متر		دو تا سه متر	عمق ایوان ها		
	بین ۱۵ تا ۲۵ در صد		۱۸ در صد	سطح بازشو		
	ایوان یک متر بالاتر از کف		ایوان یک پله بالاتر از کف	ارتفاع بنا به حیاط		
	نیمه متراکم		متراکم	بافت		
	تنوع و انسداد مسیرها		تنوع و انسداد مسیرها	ویژگی های معابر		
تبعیت جهت معابر از شیب روستا	تبعیت جهت معابر از شیب روستا					
اختصاص عملکردی مشخص به فضاها (نام گذاری کاربری اتاقها)	عدم اختصاص عملکردی مشخص به فضاها (انعطاف پذیری)	عملکرد فضاها				
شکسته	صاف	خط افق				

نحوی		سیمای روستا	همنشین دشت سیلاخور	همنشین کوههای زاگرس
		ورودی دامی و انسانی	یکی بودن ورودی دام با انسان	تفکیک ورودی دام از انسان
		سردرب ورودی	تأکید بر ورودی و عقب نشینی نسبت به معبر	تأکید بر ورودی، عقب نشینی نسبت به معبر و اجرای فضای پیر- نشین
معنایی		مشارکت	شکل گیری روستا به طور تدریجی (عدم دخالت دولت) طراحی و اجرا با استفاده از دانش و مصالح بومی در روستا توسط روستاییان انجام شده.	طراحی اجرا
		فاصله طبقاتی	فاصله طبقاتی به لحاظ داشتن دام و مسکن	عدم تغییر فاصله طبقاتی در داشتن دام و از بین رفتن فاصله طبقاتی در بخش مسکن (استفاده از طرح تیپ)
		حس تعاقب به مکان	تعلق به مکان به لحاظ داشتن هویت مکانی و زمانی	تعلق به مکان به علت شباهت ظاهری طرح بافت و نزدیکی مکان جدید
		معیشت	دامداری و کشاورزی	عدم تغییر در نوع معیشت و میزان درآمد
		نوع استفاده از مسکن	چند خانواری	تک خانواری



تزیینی، تغییرکارکرد داده است (تصاویر شماره ۷ و ۸).
 در طراحی بافت روستای جدید باباشمان، همسایگی‌های روستای پیشین و مکان استقرار ساکنین غالباً تغییر نکرده و مرکز محلات روستای قدیم در سایت جدید مجدداً شکل گرفته، که این مهم باعث حفظ نشانه‌های فرهنگی، روابط همسایگی، خانوادگی و همچنین قرارگاه‌های رفتاری روستای قدیم شده است. به طور کلی آندسته از نشانه‌هایی که به عنوان نشانه‌های

مهمان خودی از روستای قدیم همنشین نشانه‌های میزبان و نشانه‌های مهمان غیر خودی در روستای جدید شده‌اند همچون مکان استقرار واحدهای مسکونی و کاربری‌های خدماتی، شکل واحدهای همسایگی، الگوی شبکه معابر و طرح سردرب ورودی به علت ریشه داشتن در فرهنگ و خاطرات روستایی در یک محور همنشینی در روستای جدید، بنا به نظر لوتمان، نفوذ یافته و کاملاً در روستای جدید مستحیل گشته و به گونه‌ی نشانه‌ای تبدیل شده‌اند که دیگر به هیچ وجه بوی ناآشنا



نمودار ۶. میزان رضایت مندی روستاییان از طرح معابر روستای جدید باباشمان.

معماری روستای جدید با خواسته‌ها و نیازهای ساکنین اشاره نمود. در تحلیل چگونگی استحاله نشانه‌های روستای باباشمان، در بخش طراحی بافت روستای جدید، همسایگی‌های روستای پیشین و مکان استقرار ساکنین غالباً تغییر نکرده و مرکز محلات روستای قدیم در سایت جدید مجدداً شکل گرفته، حفظ نشانه‌ها در بخش بافت با توجه به شباهت بافت جدید به بافت گذشته و استفاده از نشانه‌های قدیم، از رضایت جابجا شوندگان برخوردار گردیده است. از اینرو طراحی با تکیه بر تحلیل نشانه‌شناسی و کشف نشانه‌های تکنیکی، نحوی و معنایی روستا قدیم و بکارگیری نشانه‌هایی در طرح روستای جدید، که مورد پذیرش روستاییان است، بر افزایش میزان رضایت مندی جابجا شوندگان تأثیرگذار می‌باشد.

بنا بر یافته‌های این تحقیق طراحی با تکیه بر تحلیل نشانه‌شناسی روستای قدیم می‌تواند راهبردی برای طراحی روستاهایی باشد که می‌بایست از نو ساخته و یا جابجا شوند.

نمی‌دهند. از طرفی نشانه‌هایی همچون تغییر در خط افق از الگویی صاف به الگویی شکسته که برگرفته از سنت معماری شهرستان بروجرد بوده و تغییر در ارتفاع طبقات بنا از دو طبقه به یک طبقه، تغییر در نحوه ارتباط فضای دامی از رابطه‌ای عمودی به افقی و تغییر در سنت ساخت و استفاده از مصالح مدرن در روستای جدید، و به طور کلی برونگرایی مسکن جدید در مقابل درونگرایی روستا قدیم به عنوان نشانه‌های مهمان غیرخودی در یک فرآیند جانشینی در روستای جدید، ظاهر شده‌اند. یافته‌های کمی این پژوهش حکایت از وجود رابطه معنادار بین میزان رضایتمندی ساکنین و استفاده از نشانه‌های روستای قدیم همچون نظام اسکان و همسایگی‌ها، مرکزیت روستا، الگوی معابر و غیره وجود دارد برای نمونه نمودار یکی از سؤالات این پژوهش در نمودار شماره ۱ ارائه می‌گردد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

روستا به مثابه متنی است که تمام ویژگی‌های زبانی را داراست و برای هرگونه مداخله در روستا، می‌بایست آشنا با دستور زبان و مناسبت‌ها و روابط بین اجزاء آن عمل نمود. حس تعلق به مکان جدید و رضایت مندی و بازتوانی روستاییان پس از جابجایی حاصل برآیند مؤلفه‌های بسیاری است که از جمله می‌توان به تطبیق

منابع

۱. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶) معماری و راز جاودانگی: راه بی زمان ساختن، ویراست دوم، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲. امیر یار احمدی، محمود (۱۳۷۸) بسوی شهرسازی انسانگرا، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۳. چندلر، دانیال، پارسا، مهدی (۱۳۸۷) مبانی نشانه شناسی، سوره مهر، تهران.
۴. خسروی، علیرضا (۱۳۷۸) اولویتهای طراحی معماری خانه‌های روستایی استان لرستان، حوزه معاونت زمین و مسکن بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
۵. دیویس، یان، و آيسان، یاسمین (۱۳۸۵) معماری و برنامه ریزی بازسازی، ترجمه علیرضا فلاحی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۶. دوسوسور، فردینان (۱۳۸۲) دوره زبان شناسی عمومی، ترجمه کوروش صفری، انتشارات هرمس، تهران.
۷. راپوپورت، ایمس (۱۳۸۲)، خاستگاههای فرهنگی معماری، ترجمه صدف آل رسول و افرا بانک، خیال.
۸. زادرفیعی، ناصر (۱۳۸۴) مقاله فرآیند اجتماعی - فضایی هویت شهر، مجله آبادی، شماره ۴۸.
۹. سجودی، فرزاد (۱۳۸۲) نشانه شناسی کاربردی، نشر قاصد، تهران.
۱۰. شصتی، شیما و میرزایی، نواب (۱۳۸۶) مقاله هویت مکانی - اجتماعی - شناخت و توسعه عوامل درونزای آن در جهت رشد و بالندگی هویت انسان در حوزه‌ی سکونتگاه‌های زاگرس مرکزی، کنفرانس بین المللی سکونتگاههای زاگرس.
۱۱. شعیری، حمید رضا (۱۳۸۵) مقاله مطالعه نقش گفتمان هنری در جابجایی نشانه‌ها و تغییرکارکرد معنایی آنها، مقالات دومین هم اندیشی نشانه شناسی هنر، فرهنگستان هنر، تهران.
۱۲. صفری، کورش (۱۳۷۹) درآمدی بر معنی شناسی، تهران، حوزه هنرنا.
۱۳. خورشیدیان، عبدالمجید (۱۳۸۷) گزارش بنیاد مسکن، طراحی مشارکتی جهت بازسازی مساکن روستایی استان لرستان پس از زلزله ۱۳۸۷.
۱۴. گزارش بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۸۹) دفتر مطالعات و تحقیقات، آمار جابجایی سکونتگاههای روستایی.
۱۵. مستندسازی بازسازی زلزله لرستان (۱۳۸۵) دفتر امور بازسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
۱۶. نجومیان، امیر علی (۱۳۸۴) مقاله تحلیل نشانه‌شناختی خانه‌های تاریخی کاشان، نامه هنر، فصلنامه دانشگاه هنر، دوره جدید شماره دوم.
۱۷. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۲) گزینه ای از معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، جان و جهان، تهران.
- 18.
19. Aysan, Y. & Oliver (1987) Housing and Cultural after Earthquake: A guide For Future Policy Making on Housing in Seismic Area, oxford.
20. Cernea, Michael M. (1988) "Involuntary Resettlement in Development projects", World Bank Technical Paper, No. 80.
21. Polytecnic.-Barakat, Sultan (2003) Housing reconstruction after conflict and disaster, HNP, The Humanitarian Practice Network, Number 43.
22. Eco, Umberto (1976): A theory of Semiotics. Bloomington. IN: Indiana University Press /London: Macmillan.
23. Eco, Umberto (1997) "Function and sign: The Semiotics of Architecture" in Rethinking Architecture: A Reader in Cultural Theory, Ed. By Neil Leach, Rutledge, London.
24. Falahi, A. (1994) Shelter Provision in Rural Areas of the 1990 Manjil Earthquake, in Islamic Republic of Iran, proceeding of international geographical union seminar, New Delhi, December 9-12
25. "Frequently Asked Questions (FAQs)", World Bank, 2005.
26. "Handbook for Preparing a Resettlement Action plan", IFC, 2002.
27. "Involuntary Resettlement (Revised April 2004)", World Bank, 2005.
28. Heidegger, Martin (1997) "Building, Dwelling, and Thinking" in Rethinking Architecture: A Reader in Cultural Theory, Ed. By Neil.
29. Hemadri, Ravi et Al. (1999) "Dams, Displacement, Policy and law in India".



30. World Commission on Dams, Leach, Rutledge, London. "Morgan, Diane, "Postmodernism and Architecture", The Rutledge Companion to Postmodernism, Stuart Sim, Rutledge, London,2001

31. <http://www.emdat.be/database>

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۲۰۲ ■